



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره رای خیم شیمل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج پیماندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

Nitzavim

Why Be Jewish?

نیتزاویم: چرا یهودی باشیم؟

موسی در آخرین روزهای عمرش، عهد میان خدا و اسرائیل را تجدید می کند. سراسر سفر دواریم [تثیه] روایت یک عهد است و این که چگونه بسته شد، مفاد و شرایط آن چیست و چرا در قلب هویت اسرائیل همچون قومی مقدس قرار دارد و نکات دیگر. اینک زمان تجدید آن فرارسیده تا ملتی با مفاد وجودی آن همچون قومی مقدس در زیر سروری خدا پیمان دوباره ببندند.

اما موسی مراقب است که کلام خود را محدود به حاضران نکند. او در آستانه‌ی مرگ می خواهد اطمینان یابد که هیچ یک از نسل های آینده نخواهند گفت: "موسی عهدی با نیاکان ما بست، نه با ما. ما توافق خود را اعلام نکرده ایم. ما جزئی از آن عهد نیستیم." برای تضمین این امر چنین می گوید:

من فقط با شما این عهد و پیمان را نمی بندم؛ بلکه با شما که اینجا امروز در پیشگاه خداوند خدای خود

ایستاده اید و با آنهایی که امروز در میان ما حاضر نیستند. تثیه ۱۳-۱۴: ۲۹

چنانکه تفسیرگران توراہ گفته اند، عبارت "آنهايي که امروز اینجا نیستند" نمی تواند اشاره به بنی اسرائیلی باشد که در آن زمان زنده بودند ولی در مکان دیگری به سر می بردند. این شرط الزاما چنین معنایی نداشت، زیرا کل قوم آنجا گرد آمده بودند. تنها منظور موسی می تواند نسل هایی باشد که هنوز به دنیا نیامده بودند. عهد با خدا، تمام یهودیان از آن روز تا امروز را در بر می گیرد: ما همگی *mushba ve-omed meHar Sinai* هستیم، یعنی "حاضر در کوه سینا" (یوما ۴۳ ب، نداریم ۸ الف). نیاکان ما با پذیرفتن این که قوم خدا و معتقد به قوانین خدا باشند، همه ی ما را متعهد ساختند.

از اینجا یکی از داده های اساسی یهودیت شکل گرفته است. به جز تغییر دین داده ها هیچ یک از ما انتخاب نکرده ایم که یهودی باشیم. ما یهودی دنیا آمده ایم. ما به بلوغ که می رسیم مشمول انجام دستورها و مسئول اعمال خود می شویم: دختران در سن دوازده سالگی و پسران در سیزده سالگی. اما همگی از زمان تولد در عهد شرکت داریم. بر میصوا یا بت میصوا به معنای تأیید نیست. پذیرفتن هویت یهودی، اختیاری نمی باشد. گزینش این هویت بیش از سه هزار سال پیش، زمانی که موسی گفت: "من فقط با شما این عهد و پیمان را نمی بندم؛ بلکه با شما که اینجا امروز در پیشگاه خداوند خدای خود ایستاده اید و با آنهايي که امروز در میان ما حاضر نیستند" گزینش شد، یعنی نسل های آینده از جمله ما در عهد وارد شدیم.

اما چگونه چنین امری ممکن است؟ بی تردید یکی از اصول بنیادی یهودیت این است که هیچ تعهدی بدون توافق معنا ندارد. چگونه ما متعهد به توافقی باشیم که در بستن آن شرکت نکرده ایم؟ چگونه بخشی از عهدی باشیم که تصمیم آنرا نیاکان دور ما در روزگاری دور گرفته اند؟

حکیمان پرششی همسان در مورد نسل بیابان در زمان حیات موسی که آنجا بودند و توافق کردند، پیش کشیدند. تلمود بر آن است که آنها در گفتن نه کاملا آزاد نبودند:

خداوند متعال کوه را مانند مخروطی بر سر آنها واژگون ساخت و گفت: اگر "آری" بگویید، همه چیز عالی خواهد بود، اما اگر "نه" بگویید، اینجا محل دفن شما خواهد شد. "شبات ۸۸ ب

در این مورد، ربی آخا بر یعکوو گفت: "این چالشی اساسی در برابر مشروعیت عهد خواهد بود." تلمود پاسخ می دهد که هرچند که توافق در آن زمان کاملا آزادانه نبوده، بنا به کتاب استر، یهودیان توافق خود را داوطلبانه در روزگار اخشوروش بیان کردند.

اینجا فرصت بررسی آن بخش از تلمود نیست، اما نکته‌ی اساسی آن روشن است. حکیمان تلمودی بر آن بودند که یک توافق باید آزادانه بسته شود تا رسمیت یابد. با این همه ما توافق نکرده ایم که یهودی باشیم. بیشتر ما یهودی به دنیا آمده ایم. ما در روزگار حیات موسی و بسته شدن عهد نبودیم. هنوز وجود نداشتیم. پس چگونه به عهد موظف باشیم؟

این پرسش کوچکی نیست. پرسشی است که همه‌ی پرسش‌های دیگر به آن برمی‌گردند. چگونه هویت یهودی از والدین به فرزند می‌رسد؟ اگر هویت یهودی فقط نژادی یا قومی بود، قابل فهم می‌شد. ما امور بسیاری را از والدین خود ارث می‌بریم، از همه آشکارتر، ژن‌های آنها به ما می‌رسند. اما یهودی بودن یک شرط ژنتیک نیست، بلکه مجموعه‌ای است از تعهدهای ایمانی. اصلی در هلاخا می‌گوید: *zachin le-adam shelo be-fanav* یعنی "می‌توانی یک منفعت یا امتیاز را بدون توافق یا اطلاع کسی به او منتقل کنی" کتوبوت ۱۱ الف.

با آنکه یهودی بودن بی‌تردید یک منفعت و امتیاز است، به معنایی دیگر یک بدهکاری و محدودیت در گزینش‌های مشروع ما نیز هست که سرپیچی از آنها پیامدهای بدی در پی دارد. اگر ما یهودی نبودیم، می‌توانستیم روزهای شبات کار کنیم، غذای غیرکاشر بخوریم، و غیره. می‌توان منفعتی را بدون توافق کسی به او منتقل کرد، اما یک بدهکاری را نمی‌توان.

کوتاه آن که این پرسش کلیدی هویت یهودی است. چگونه می‌توانیم به قانون یهود موظف باشیم، بی‌آنکه آنرا برگزیده باشیم؟ فقط از این روی که نیاکان ما از طرف ما توافق خود را اعلام کرده‌اند؟

من در کتاب خود با عنوان "آن زمان انقلابی و اکنون انقلابی" ¹ *Radical Then, Radical Now* اشاره کردم چه جالب است که ببینیم این پرسش چه زمانی و کجا مطرح شد؟ با آنکه همه چیز به این پرسش وابسته است، اما به ندرت پرسیده می‌شود. یهودیان در اکثر مواقع پرسیده‌اند که چرا ما یهودی هستیم؟ پاسخ آشکار است. والدین ما یهودی بوده‌اند. اجداد ما یهودی بوده‌اند. پس ما یهودی هستیم. هویت چیزی است که بیشتر آدم‌ها در بیشتر دوران‌ها بدیهی انگاشته‌اند.

¹ Jonathan Sacks, *Radical Then, Radical Now*, London: HarperCollins, 2000, (published in North America as *A Letter in the Scroll*, New York: Free Press, 2000).

اما این پرسش در دوران تبعید در بابل مطرح شد. حزقیال نبی می گوید: "آنچه در ذهن شما نباید هرگز اتفاق بیفتد این فکر است که "بیایید ما هم مانند سایر ملل، اقوام کشورهای دیگر باشیم و چوب و سنگ را پرستش کنیم." (حزقیال ۲۰:۳۲). این نخستین اشاره به قصدِ فعالِ رها کردنِ هویتِ یهودیان است.

دوباره در دوران تلمودی اتفاق افتاد. می دانیم که در قرن دوم پیش از میلاد یهودیانی بودند که فرهنگ هلنی (یونانی) را جذب کردند و به جای یهودی بودن می خواستند یونانی باشند. برخی دیگر در زیر فرمانروایی رومیان می خواستند رومی باشند. برخی حتی یک جراحی به نام epispasm کردند تا تأثیر ختنه را از بین ببرند و یهودی بودن خود را پنهان کنند (در زبان عبری به آنها مشوخیم می گفتند).²

یهودیان بار سوم در اسپانیا در قرن پانزدهم با این گزینش روبرو شدند. در این زمینه دو تفسیرگر توراه سخن گفته اند: ربی ایزاک آراما و ایزاک ابرابنل که دقیقاً همان پرسش ما را مطرح کرده اند که چگونه عهد، یهودیان امروز را هم شامل می شود؟

دلیل این که پرسش تفسیرگران پیش از آنها که بین ۱۳۹۱ تا ۱۴۹۲ می زیستند مطرح نشد، این بود که آن زمان، فشار عظیمی بر روی یهودیان اسپانیا برای مسیحی شدن وارد آمد، به حدی که یک سوم آنها چنین کردند (در آن زمان به تغییر دین داده ها آنوسیم می گفتند یا در اسپانیایی *conversos* که واژه‌ی توهین آمیز آن مارانو بودند به معنای خوک. پرسش "چرا یهودی بمانیم"، پرسشی واقعی بود.

در زمان های گوناگون پاسخ به این پرسش فرق داشت. پاسخ حزقیال قاطع بود: "خداوند اعلام می کند که با دست قوی و بازوی افراشته و اقتدار خود پادشاه شما خواهم بود" (حزقیال ۲۰:۳۳). به بیان دیگر، یهودیان ممکن است بخواهند از سرنوشت خود بگریزند، اما موفق نمی شدند. حتی خلاف خواست آنها همواره به عنوان یهودی شناخته می شدند. این امر به گونه ای تراژیک در دو دوره‌ی اسیمیلیسیون بزرگ اتفاق افتاد: قرن پانزدهم در اسپانیا و اروپای قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم. در هر دو مورد، یهودستیزیِ خشونت بار تداوم یافت و یهودیان همچنان مورد آزار و کشتار قرار گرفتند.

² This is what R. Elazar of Modiin means in Mishnah Avot 3:15 when he refers to one who "nullifies the covenant of our father Abraham."

حکیمان تلمودی به این پرسش، پاسخی عرفانی دادند. آنها گفتند که حتی روح یهودیانی که هنوز به دنیا نیامده اند پای کوه سینا حاضر بودند و عهد را پذیرفتند (خروج ربا ۲۸:۶). هر یهودی به بیان دیگر توافق خود را در روزهای حیات موسی بیان کرد، حتی اگر هنوز دنیا نیامده بود. در رمزگشایی از این تفسیر، حکیمان بر آن بودند که شاید حتی آسیميله ترین یهودیان در اعماق قلب خود می دانند که یهودی هستند. همین امر گویی در مورد چهره های اجتماعی مانند هاینریش هاینه و بنجامین دیزرائلی صادق بود که به عنوان مسیحی می زیستند، اما اغلب همچون یهودی می نوشتند و می اندیشیدند.

تفسیرگران توره در قرن پانزدهم اسپانیا این پاسخ مشکل ساز را یافتند. آرا ما گفت که ما هر یک جسم و روح داریم. پس چرا باید کافی باشد اگر بگوییم روح ما در کوه سینا حاضر بوده است؟ چگونه روح می تواند جسم را متعهد کند؟ البته روح با عهد موافق است. از نظر معنوی، یهودی بودن یک امتیاز است و شما می توانید یک امتیاز را بدون توافق به فرد دیگری منتقل سازید. اما عهد برای جسم یک مانع است و همه گونه محدودیت بر لذت های مادی را به همراه دارد. بنابر این، اگر هم روح های نسل های آینده در آنجا حاضر بودند، اما جسم های آنها نبودند و این توافق به شمار نمی رود.

پاسخ من به این پرسش چنین است: "آن زمان انقلابی و اکنون انقلابی". اما شاید پاسخ ساده تری وجود داشته باشد. هر تعهدی که ما را موظف سازد، تعهدی نیست که ما آزادانه با آن موافقت کرده باشیم. تعهدهایی هستند که از هنگام تولد با ما می آیند. نمونه ی کلاسیک آن، یک شاهزاده است. شاهزاده برای آنکه وارث تاج و تخت باشد، مجموعه وظایفی دارد و زندگی خود را باید وقف خدمت به دیگران بکند. ممکن است که در انجام این وظایف سهل انگاری کند. در شرایط بسیار بحرانی یک پادشاه شاید حتی استعفا دهد. اما هیچ کس نمی تواند به دلخواه خود وارث تاج و تخت بشود. چنین جایگاهی یک تقدیر است که از هنگام تولد با فرد بوده است.

مردمی که خدا به آنها گفت "فرزندم، اولزادم، ای اسرائیل" (خروج ۴:۲۲) خودش می داند که یک شاهزاده است. این می تواند یک امتیاز باشد، یا باری بر دوش. اغلب هر دو مورد است. این یک توهم پساوشنگری است اگر گمان کنیم که تنها امور مهم ما همان هایی هستند که خودمان برگزیده ایم. ما برگزیده ایم که به دنیا بیاییم. ما والدین خود را انتخاب نکرده ایم. ما زمان و مکان تولد خود را تعیین نکرده ایم. اما هر یک از این ها هویت و وظایف ما را تحت تأثیر قرار می دهند.

ما بخشی از داستانی هستیم که روزگاری بس دور از زمان تولد ما رخ داده و تا زمان های دور پس از نبودن ما ادامه خواهد داشت. پرسش برای همه ی ما چنین است: آیا ما داستان را ادامه می دهیم؟ امید صدها نسل از نیاکان ما وابسته به خواست ما برای ادامه دادن آن است. در حافظه ی جمعی عمیق ما کلام موسی همچنان پژواک دارد: "من فقط با شما این عهد و پیمان را نمی بندم؛ بلکه با شما که اینجا امروز در پیشگاه خداوند خدای خود ایستاده اید و با آنهایی که امروز در میان ما حاضر نیستند." ما هر یک بازیگری اصلی هستیم در این داستان. می توانیم آنرا زیست کنیم یا آنرا رها سازیم. اما این گزینشی است که از آن گریزی نداریم و پیامدهای عظیم دارد. آینده ی عهد با خدا وابسته به ما است.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org f t @ @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved